

**برگزاری نمایشگاه و بازارچه «مادران ارزش آفرین» در باغ خاتون** مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی اعلام کرد: نمایشگاه و بازارچه «سرای خاتون» به مناسبت بازگشایی مدارس و مهرماه، از ۱۱ تا ۱۷ شهریور در باغ اردوگاه خاتون واقع در تقاطع خیام و توس برگزار می‌شود.

**www.qudsonline.ir**

چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۴ ۱۰ ربيع الاول ۱۴۴۷ ۳ سپتامبر ۲۰۲۵ سال سی و هشتم ۱۱ شماره ۱۰۷۳۲

**بازخوانی سنت اطعام در ازدواج که راهی برای تحکیم بنیان خانواده و جامعه اسلامی در پرتوسیره پیامبر (ص) و کلام امام رضا(ع) است**

# سفره‌ای به گستره همدلی



آیا بی توجهی به سنت اطعام در آغاز زندگی مشترک، گسستی در پیوندهای عاطفی و اجتماعی جامعه اسلامی محسوب نمی‌شود؟ کاهش اهتمام به اطعام در مراسم ازدواج را می‌توان انعکاسی از تغییر ارزش‌های اجتماعی دانست؛ زیرا فرهنگ اسلامی بر میهمانی و اطعام به عنوان جلوه‌ای از کرامت انسانی تأکید دارد. عواملی مانند مادی گرایی، تجمل پرستی، فشارهای اقتصادی یا غفلت از سنت‌های اصیل سبب شده اصل اطعام کمرنگ شده و به جای آن، هزینه‌های بی‌ثمر برای ظواهر مصرف شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْيَسِيرَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» (اسرا: ۲۶). این آیه بیانگر آن است در خرج کردن باید توجه به اطعام و کمک به دیگران داشت، نه اسراف و تبذیر. بنابراین سنت اطعام اگر با سادگی و عقلانیت همراه شود، هم اصالت سنت حفظ شده و هم از تغییر ارزش‌ها جلوگیری می‌شود.

**■ سنت اطعام در ازدواج چگونه می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در میان زوج‌های جوان و جامعه اسلامی کمک کند؟** اطعام در آغاز زندگی مشترک تأثیر عمیق روانی و تربیتی دارد. زوجین با تقسیم شادی خود، از فردگرایی فاصله گرفته و نوع دوستی و مسئولیت اجتماعی را درونی می‌کنند. برای جامعه نیز اطعام، پیام همدلی و مساوات

و پوشاک مانند چادر، روسری و...، همچنین صنایع دستی، مواد غذایی ارگانیک و خانگی و محصولات بهداشتی نیز دیدن کنند.

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی خاطرنشان کرد: علاوه بر فروش محصولات، این رویداد با برنامه‌های فرهنگی جذاب

می‌تواند در عصر حاضر نیز با شیوه‌های ساده و ابتکاری زنده شود.

**■ با توجه به آموزه‌های دینی، رهبران دینی و خانواده‌ها چه مسئولیتی در قبال ترویج سنت اطعام و کمک به نیازمندان در جامعه دارند؟**

رهبران دینی و خانواده‌ها مسئولیت سنگینی در احیای سنت اطعام دارند. اگر رهبران دینی با تبیین آثار اخروی و اجتماعی اطعام و خانواده‌ها با عمل به این سنت در مراسم خویش، الگوسازی کنند، می‌توان جامعه را از تجملات غیرضروری به سوی ارزش‌های اصیل سوق داد. قرآن کریم بر اهمیت اطاعت از سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) تأکید دارد: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷). بنابراین، وقتی امام رضا(ع) اطعام را سنت دانسته‌اند، رهبران دینی و خانواده‌ها باید آن را محور تبلیغ و عمل قرار دهند. آگاهی‌بخشی درباره ثواب اخروی اطعام و تأثیر اجتماعی آن، انگیزه مردم را برای جایگزین کردن اطعام به جای تجملات بی‌ثمر افزایش خواهد داد.

**■ چگونه می‌توان سنت اطعام را در ازدواج به گونه‌ای اجرا کرد که هم موجب ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی شود و هم از ایجاد فشار مالی بر خانواده‌های کم‌درآمد جلوگیری کند؟** سنت اطعام در ازدواج پرخلاق تجمل گرایی، بر سادگی و روح بخشش استوار است و هرگز به معنای تحمیل هزینه‌های سنگین یا برپایی مراسم پرزرق و برق نیست. تفاوت اساسی آن با تجمل گرایی در نیت و شیوه اجراءست: اطعام سنتی اسلامی، با هدف تقسیم نعمت، رفع نیاز نیازمندان و ایجاد محبت اجتماعی توصیه شده است، در حالی که تجمل گرایی به نمایش ثروت و رقابت ظاهری می‌انجامد و گاه موجب فشار مالی بر خانواده‌ها و جوانان کم‌برضاعت می‌شود. در حقیقت، اگر اطعام با معیارهای اصیل اسلامی انجام گیرد، نه تنها بار اضافی ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش فقر و افزایش همبستگی اجتماعی کمک کند؛ زیرا هر کس به اندازه توان خود مشارکت می‌کند. قرآن کریم نیز تأکید می‌کند: «لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶). بر همین اساس، سنت اطعام هیچ‌گاه به معنای تکلیف فراتر از توان مالی نیست، بلکه می‌تواند در ساده‌ترین شکل، حتی با اطعام اندک محقق شده و موجب برکت و معنویت در زندگی مشترک شود.

**دعای پنجم صحیفه سجادیه؛ دعایی از اعماق قلب برای خود و همراهان ایمانی(۵)**

## سایه لطف الهی بر سر ماست

استاد انصاریان در شرح این عبارت و عظمت و شگفتی خلقت خداوندی مطالب مفصلی بیان کرده و می‌گوید: «ما میلیون‌ها کهکشان داریم که در این‌ها میلیاردها ستاره است. ستاره‌هایی که فراوان از خورشید بزرگ‌تر هستند. از زمین بزرگ‌ترند. آن‌ها نورانیت دارند. تعبیر امیرالمؤمنین(ع) این است ستاره‌هایی که در آسمان‌ها می‌بینید، شهرهایی است مثل شهرهای شما، یعنی آنچاهم موجوداتی هستند و خدا خلقتی دارد. عجیب است که این‌ها همه در نظم خاصی شناور هستند. یعنی اگر در زمان سابق نمی‌دانستند کهکشان‌ها و ستاره‌ها حرکات مختلف دارند، تولد و مرگ و میر دارند، اما الان می‌دانند این‌ها تولد و تناسب دارند و خیلی عجیب است. می‌چرخند و به همدیگر برخورد نمی‌کنند. «كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیا/۳۳) یعنی در مدار خاصی شناور هستند...».

**■ خدایی که حافظ و نگهبان ماست**

امام سجاد(ع) در فرازهای هفتم تا دهم، دره‌های بسیاری از معارف ناب توحید را به روی ما می‌گشایند. ایشان به ما می‌آموزند هرچه وجود دارد خداوند متعال است و اراده و قدرت بی‌کران او است که می‌تواند ما را از شر شیطان و آفت‌های دنیایی مصون نگه دارد و در این باره می‌فرمایند: «بار خدا یا، ما را با عطای خود از بخشش بخشدگان بی‌نیاز کن و با پیوند با خود،

ریحانه عامل نیک | در علوم مختلف از انسان به عنوان موجودی ذاتاً اجتماعی یاد می‌شود. موجودی که از کودکی با همراهی و حمایت‌های خانواده و در ادامه با روند اجتماعی شدن با کمک اجتماع، خود را پیدا می‌کند و در مسیر پیشرفت قرار می‌گیرد. زیست اجتماعی تابع قوانین الهی می‌تواند تک‌تک افراد بشر را در مسیر هدایت به بهترین گونه به قرب الهی نزدیک کند. مسیری که تضمین‌کننده سعادت و آسایش بشر است. امام سجاد(ع) به عنوان امامی که منابع مکتوب ایشان در دسترس ماست، با هوشمندی در دعای پنجم صحیفه سجادیه، سعادت و هدایت را نه تنها برای خود، که برای دوستان و همراهان ایمانی و اجتماعی، از خداوند متعال درخواست می‌کنند. در ادامه، شرح مختصر دعای پنجم را در چهار بخش محوری پی می‌گیریم.

**■ خدایی که خالق شگفتی هاست**

در بخش نخست، امام سجاد(ع) در فراز یکم تا ششم، پیش از هر درخواستی، یکی از صفات خداوند بزرگ را بیان می‌کنند و به دنبال آن، نخست بر محمد(ص) و آتش(ع) درود می‌فرستند و پس از آن، درخواست‌هایی مرتبط با آن صفت را مطرح می‌کنند. درخواست‌های امام در این چند فراز عبارت‌اند از: در امان ماندن

و مصون بودن از الحاد به سبب عظمت الهی، آزادی و رهایی از عذاب الهی، بهره‌گیری از رحمت الهی، درخواست قرب الهی و پرده‌پوشی از گناهان به واسطه کرامت الهی.

در بیان اول، امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «يَا مَن لَا تَنْقُضُ عَجَائِبَ عَظَمَتِهِ، ای خدایی که شگفتی‌های بزرگی تو و عظمت خلقت تو تمام‌شدنی نیست.».

همراه است. ساعات بازدید این نمایشگاه از ۱۶ تا ۲۱ تعیین شده و بازدید برای عموم آزاد رایگان است.

نمایشگاه و بازارچه سرای خاتون ذیل طرح مادران ارزش آفرین، از جمله طرح‌های توانمندسازی اجتماعی بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی است.

### دیدگاه

عبدالمطلب تنها یک پدربزرگ برای پیامبر اسلام(ص) نبود

### ایستاده پای نبی ﷺ

ریحانه عامل نیک | عشق و علاقه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به نوه‌ها و نتیجه‌ها برای ما اثبات شده است. اما عشق و علاقه عبدالمطلب، نیای پیامبر گرامی اسلام(ص) به ایشان یک علاقه ساده از روی پیوند خونی نبود، که او در راستی و درستی زبانزد جامعه زمانه خودش بود. در حقیقت یکی از تأثیرگذارترین اشخاص در محافظت از حضرت محمد(ص) و از زمینه‌سازان ظهور دین مبین اسلام است. پیغمبر(ص) به داشتن چنین پدربزرگی افتخار می‌کردند و حتی در میدان رزم این‌گونه رجز می‌خواندند: «من قطعاً پیامبرم و این، دروغ نیست. من پسر عبدالمطلبم». امروز به مناسب وفات ایشان در دهم ربیع‌الاول به مرور تأثیرات ایشان بر یاری پیامبر اسلام(ص) می‌پردازیم.

**■ از تبار راستی و درستی**

عبدالمطلب فرزند هاشم، در یشرب(مدینه) به دنیا آمد و با مرگ پدرش در سفر شام، در یشرب باقی ماند و دوران کودکی خود را در آنجا سپری کرد تا اینکه عمویش، مطلب به دنبالش آمده و او را به مکه برد. پس از مرگ مطلب، عبدالمطلب جانشین او شد. عبدالمطلب یا همان «شبیة الحمد بن هاشم بن عبد مناف» جد پیامبر اسلام(ص) است و او را «شبیة الحمد» نیز نامیدند؛ به دلیل آنکه مویش سپید بود.

او دارای ۱۰ پسر و ۶ دختر بود که پسران ایشان عبارت‌اند از: عبدالله (پدر رسول خدا(ص))، ابوطالب (پدر حضرت علی(ع))، زبیر، عبدالمکبه، حارث (بزرگ‌ترین فرزند)، قثم، حمزه، عباس، هندار و ابولهب.

دختران نیز عبارت‌اند از: صفیه، ام‌حکیم، عاتکه، برة، اقیمه، اروی. برخی از این فرزندان پیش از اسلام به پیامبر(ص) خدمات شایانی کردند و پس از ظهور اسلام نیز از انجام هیچ خدمتی به ایشان دریغ نورزیدند. عبدالمطلب همانند دیگر اجداد پیامبر(ص) از آیین توحیدی و دین حنیف حضرت ابراهیم(ع) پیروی می‌کرد و از شرک بی‌زاری می‌جست.

**■ معتقد به خدای خانه کعبه**

بر اساس روایات، عبدالمطلب بت‌پرست نبود، بلکه به سوی کعبه عبادت می‌کرد. امام علی(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند، نه پدرم و نه جدم عبدالمطلب و نه هاشم و نه عبدمناف، بت نپرستیدند». از امام(ع) پرسیدند: پس چه چیزی را می‌پرستیدند؟ امام در پاسخ فرمود: «آن‌ها به سمت کعبه عبادت می‌کردند و بر دین ابراهیم(ع) بودند». (شیخ صدوق، الخصال، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۹۴)

امام صادق(ع) نیز فرمودند: «جبرئیل بر پیامبر خدا(ص) فرود آمد و گفت: یا محمد! خداوند شفاعت تو را درباره پنج نفر پذیرفته است: شکمی که تو را حمل کرد و آن آمنه دختر وهب بن عبدمناف است. صلبی که تو را بار آورده و آن عبدالله بن عبدالمطلب است. آغوشی که تو را پرورش داده و آن عبدالمطلب بن هاشم است...».

**■ میراث‌دار چاه زمزم**

ازجمله القاب عبدالمطلب، صاحب زمزم است. چاه زمزم با اینکه بنابر معجزه الهی به وجود آمده بود ولی قبيله «جرهم» که قرار بود از آنجا خارج شده و مکه را به دست قبيله خزاعه بدهند، آن چاه را پر کرده و به صورت کامل از بین بردند.

اما این چاه، سال‌ها بعد توسط عبدالمطلب حفر شد. اما دیگر ماجرای تاریخی که با نام جد پیامبر(ص) پیوند دارد، ماجرای لشکرکشی ابرهه برای تخریب کعبه مقدس است که در تاریخ دینی ما تفاسیر جالب توجهی درباره آن وجود دارد، کما اینکه این واقعه در قرآن کریم نیز ذکر و در سوره فیل به آن پرداخته شده است.

جناب عبدالمطلب در آن زمان رئیس قبيله قریش بود. در روایت می‌خوانیم عبدالمطلب پس از گفت‌وگو با ابرهه که کاروان شتران قریش را مصادره کرده بود و عنوان جمله معروف «من صاحب و خداوند شترانم و خانه کعبه صاحب و پروردگاری دارد که اگر بخواهد، آن را از تجاوز و تخریب به‌زودی بازمی‌دارد» به سمت کعبه معظم رفت و با مناجات با همراهان خود از درگاه خداوند طلب مدد کرد. پس از آن به مردم دستور داد در کوه‌ها پناه بگیرند و خود به یکی از دره‌های مکه آمده و به فرزندش عبدالله دستور داد بالای کوه ابوقبیس رفته، به سوی دریا نظری افکند و خبری از امداد‌های غیبی برای آن‌ها بیاورد. عبدالله به سرعت نزد پدر آمد و گفت: پدرجان! ابری سیاه از ناحیه دریاى احمر به چشم می‌خورد که به سوى سرزمین ما می‌آید. او خوشحال شد و با صدای بلند فرمود: ای قریشیان! به منازل خود بازگردید که نصرت الهی و لشکریان خدا به یاری شما آمده‌اند.

بر اساس روایات، عبدالمطلب در کودکی پیامبر(ص) که چند سال پس از داستان ابرهه بود، رحلت کرد و در منطقه حجون مکه روی کوهی دفن شد. در مورد سن او، نقل‌های مختلفی وجود دارد. از ۸۲سال تا ۱۲۰ سال. اما در مورد علت درگذشت او، مطلبی در منابع حدیثی و تاریخی یافت نشد. با این حال، با توجه به سنی که برای ایشان ذکر شده، می‌توان کوهلوت سن و عوارض ناشی از آن را علت اصلی رحلت ایشان دانست.